

جلوه های تمدن هخامنشی در آثار عهد صفوی

رابسازی، کاروانسرای شاه عباسی برخی از بناهای تاریخی فراموش شده

باغ و عمارت تاج آباد نظر، عباس آباد شکارگاه و بندعباس یاسد قمر و

حسن نراقی

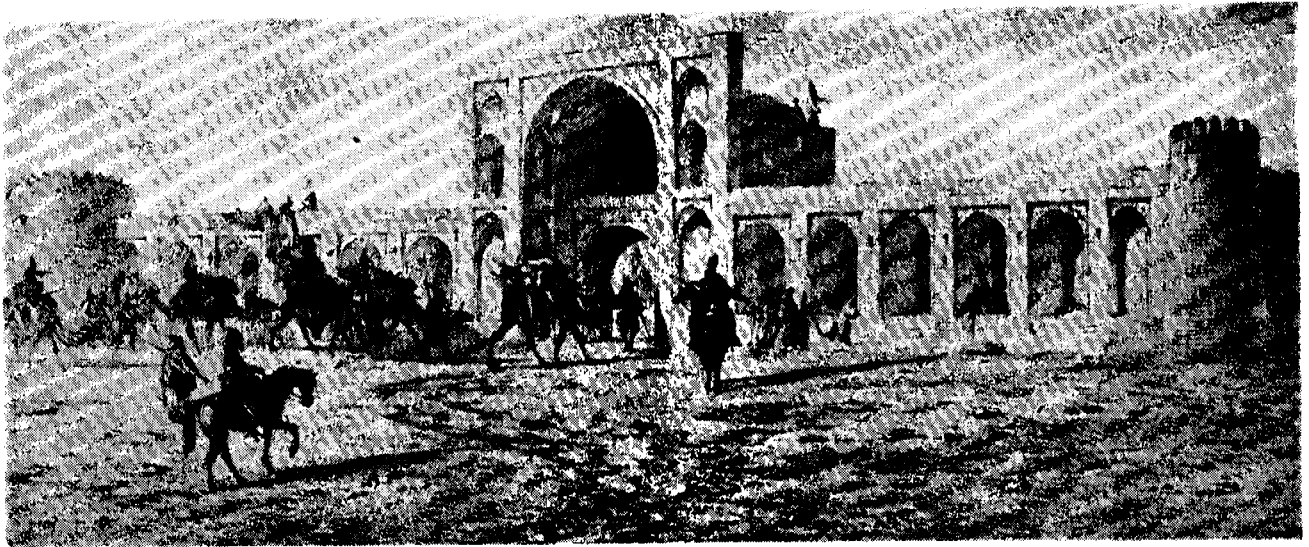
بی تردید میتوان گفت یکی از بزرگترین رازهای موفقیت ایرانیان در تشکیل شاهنشاهی باستانی و ایجاد تمدن پرشکوه کشورشان هم آهنگی کامل و وحدت نظر و عمل ایشان در گسترش شبکه راههای بزرگ سرتاسری با منزلگاههای متعدد و کاروانسراهای آماده و واجد همه گونه وسایل آسایش کاروانیان بوده، چنانکه هرودوت مورخ شهیر یونانی (۴۸۴ - ۴۲۵ ق.م) ملقب به پدر تاریخ نگاران جهان که خود در سده پنجم پیش از میلاد از شاهراه کرانه های دریای اژه تا شوش پایتخت ایران سفر کرده، در ضمن بیان اوصاف این جاده آنرا از بهترین شاهراههای جهان آنروز شمرده و در نتیجه اهمیت تمدن شاهنشاهی ایران را بدینگونه اعتراف و گوشزد جهانیان ساخته است^۱:

«جاده شاهی که از شهر سارد پایتخت لیدی تا شوش امتداد دارد و باید آنرا در مدت نود روز طی کرد دارای ۱۱۱ مرکز پستی و چاپارخانه میباشد که در فاصله های ۲۵ کیلومتری منزلگاههای مرتب با وسائل لازم جهت استراحت عابرین مهیا گشته، تمامی طول این راه و توقفگاههای آن تحت مراقبت شدید سپاهیان از امنیت و آسایش کامل برخوردار میگردد چنانکه مرتکبین کوچکترین شرارت و راهزنی از طرف

در سرزمین پهناور ایران بر اثر اوضاع و احوال جغرافیائی متفاوت و آب و هوای متغیّر نقاط مختلف آن با سلسله جبال خشک و کم بارندگی که سرتاسر مرز و بومش را فرا گرفته، طبعاً مناطق آباد و مراتع سبز و قابل زیست بطور کلی پراکنده و دور از یکدیگر افتاده است. بدین دلیل با توجه به وسعت زمینهای بایر و نواحی غیر قابل عبور کویر مرکزی که قدم نهادن در آن با مخاطرات حتمی توأم است. در هر عصر و زمان موضوع راههای کاروانرو و جاده های عمومی و ارتباط میان شهرها در درجه اول اهمیت قرار داشته از مسائل جدی و حیاتی کشور بشمار میرفته است. بطوریکه میتوان گفت همواره چگونگی وضع ارتباطات عمومی بهترین شاخص وضع اجتماعی و مدنی و نمایشگر ترقی و تمدن و یا نشانه انحطاط و تنزل زمان خود بوده است چنانکه اکنون نیز هست و برای همیشه هم خواهد بود و تجلی این واقعیت در اخلاق و عقاید دینی و سنن جامعه ایرانی چنان بوده که ساختن راه و رباط همواره از روزگاران دیرین یکی از بارزترین مظاهر حسن نیت و نیک اندیشی بانیان آن آثار تلقی میگردد است.

از این رو نه تنها پادشاهان و زمامداران بیدار دل بدان کار قیام و اقدام می نمودند، بلکه بسیاری از توانگران نیز با بذل مال و منال فراوان جهت تسطیح و تعمیر راهها و ایجاد پلها و کاروانسراها و آب انبارهای کنار شاهراهها نام نیک خویش را بلند آوازه میساختند.

۱ - ص ۱۸۰ کتاب سیرتاریخ از انتشارات دانشگاه تهران بشماره ۸۲۸ و ص ۱۵۶۸ دایرة المعارف مصاحب.



سردر کاروانسرای شاه عباس قریه نصر آباد تا اواخر قرن گذشته ، عکس از کتاب سفرنامه اوژن فلاندن

۳ - کاروانسرای انوشیروان در منزلگاه قدیم مزینان راه خراسان نزدیک کاروانسرای شاه عباسی^۴ و همچنین کاروانسرای معین الدین ابونصر احمد مختص الملوك کاشی وزیر مقتول سلطان سنجر بسال ۵۲۱ هجری در قریه قهرود و مزرعه احمدآباد کویر کاشان و رباط دیرکاج . چنانکه در شرح احوالات وی نوشته اند : « آثار خیر و نام نیک یادگار گذاشت و بقاع خیر بسیار در ممالک بنا فرمود و از مشاهیر ابواب البر آن وزیر رباط قهرود است و رباط احمدآباد و رباط دیرکچین و اصلاح راه و شارع دیرکچین که میان ری و قم است بگچ و سنگ و مدارس و مصانع و قناطر و رباطات که در اقالیم شرق و غرب احداث فرموده بر کمال علو همتش دلیلی واضح است»^۵.

* * *

در آغاز سده یازدهم هجری بر اثر طلوع سلطنت شاه عباس کبیر فصل درخشانی در تاریخ ایران گشوده شد و بار دیگر این کشور کهن سال باوج ترقی رسید .

از جمله مظاهر بارز این دوره و آثار شکوهمند آن که هنوز هم در سرتاسر ایران نمودار است یکی شبکه راههای عمومی بود که از دامنه کوهها تا اعماق نمکزارهای کویر سوزان مرکزی ایران گسترش یافته بود و دیگر ساختن رباط و کاروانسراهای بزرگ و توقفگاههای آبرومند ، کاخها و بستانسراهای زیبا و خوش منظر در فواصل راهها که در هر یک از آنها همه گونه وسائل جهت آسایش و امنیت خاطر مسافرین

پاسداران با شدیدترین سیاست و مجازات بکیفر میرسد . پست سریع السیر دولتی بوسیله اسب سواران ورزیده که چابک سوار در هر توقفگاه اسب خود را با چپاری تازه نفس عوض میکرد با چنان سرعتی بمقصد میرسید که در آن روزگار اعجاز آمیز می نمود و این از ابتکارات پادشاهان باستانی ایران بود که بعدها از طرف مصریان مورد تقلید قرار گرفت و سپس بکشورهای دیگر سرایت کرد .

همچنین از بررسی موجبات و علل واقعی رونق و آبادی کشور و تجدید مجد و عظمت باستانی ایران در عهد سلاجقه بزرگ بنظر میرسد که بزرگترین عامل مؤثر آن توجه و کوشش فراوانی بود که وزیران خردمند ایرانی پادشاهان سلجوقی جهت تسطیح و تعمیر و حفظ امنیت راهها بعمل آورده ، با ایجاد پل ، کاروانسرا و توقف گاههای خوب و مناسب کلیه وسایل رفاه و آسایش کاروانیان سرتاسر مملکت را فراهم ساختند . چنانکه آثار باقی مانده برخی از آنها پس از برخورد با روی دادهای سهمگین و نابسامانی های قرون متمادی گذشته هنوز پابرجا و گواه صادق این حقیقت میباشد ، مانند کاروانسراهایی که انوشیروان ابن خالد کاشانی (در گذشته سال ۵۳۲ هجری) وزیر چندتن از خلفای عباسی و پادشاهان سلجوقی بنیان نهاده و تاکنون هم بنام او محفوظ و باقی مانده که از آن جمله است :
۱ - کاروانسرای انوشیروان در احمدآباد بر خوار اصفهان^۴ .

۲ - رباط سنگی انوشیروان در منزلگاه قدیم آهوان سر راه خراسان^۴ .

و جهانگردان خودی - بیگانه با نیکوترین طرز پیش‌بینی و مهیا گشته بود .

همچنین شاه‌عباس پس از تغییر دادن پایتخت خود از قزوین باصفهان از جمله کارهایی که جهت تقویت موقع اقتصادی نواحی مرکزی ایران و هم بمنظور افزایش درآمدهای خزانه دولت بعمل آورد اتخاذ تدابیری بود که در نتیجه آن راه کاروان‌رو معروف به جاده ابریشم از طریق اصفهان بسوی خلیج فارس و بندرعباس امتداد داده شد و بدینوسیله صادرات ابریشم ایران که میتوان گفت در آنصورت بمنزله صنایع نفت امروز بود زیر نظر مستقیم شاه‌عباس درآمد زیرا که بگفته شاردن فرانسوی : « در قرن هفدهم ابریشم تولیدی ایران به بیست و دو هزار عدل میرسید که فقط در حدود یک هزار عدل آن مصرف داخلی ایران بوده و مابقی به اروپا و هندوستان حمل و صادر میگردد. » و در آنگاه که سرزمین ایران بیش از دو هزار سال از عصر هرودوت مورخ شهیر یونانی را پشت سر می‌نهاد. شاردن جهانگرد دقیق و کنجکاو فرانسوی درباره مسائل ارتباطات عمومی و آمدورفت میان شهرها که مؤثرترین عامل عمران و آبادانی کشور میباشد گفته‌های سابق مورخ یونانی را بدینگونه تکرار میکند :

« در تمام جهان کشوری مانند ایران برای سیاحت و جهانگردی وجود ندارد خواه از لحاظ قلت خطرات و امنیت طرق که مواظبت دقیقی در این مورد بعمل می‌آید و خواه از جهت کمی مخارج که معلول کثرت تعداد عمارات عمومی مخصوص مسافری در سرتاسر امپراطوری در بلاد و بیابان است . در این عمارات برایگان سکونت اختیار میکنند بعلاوه در نقاط صعب‌العبور پلها و جاده‌های مسطحی (شوسه) وجود دارد که برای کاروانها و کلیه کسانیکه برای کسب نفع در حرکتند تعبیه شده است »^۶ .

جهانگرد ایران‌شناس دیگری در مقایسه ایران هخامنشی با عصر شاه‌عباس اول چنین اظهار عقیده میکند :

« شاه‌عباس کبیر دوره پرافتخاری برای ایران فراهم کرد و حدود ایران را در اطراف جلو برد ولی بوسعت مملکت داریوش نرسید . این پادشاه سلطنت با اقتداری داشت . فتوحات متعدد او موجب وحدت ملی و آرامش و ترقی ایران گردید . ثروت و ترقی ایران در زمان او بجائی رسید که توانست مساجد و مدارس عالی و پلها و کاروانسراها را در تمام مملکت بسازد و شاهراههای خوبی در مملکت ایجاد کند و تجارت را ترویج نماید . با وجود خرابی‌هاییکه دشمنان ساختمان‌های او وارد کردند بازهم بناهای زیادی از او بیادگار مانده است و در هر جای ایران اگر از چارواداران پیرسید این بنا از کیست ؟ بدون تأمل میگویند « مال شاه‌عباس است »^۷ .

جاده‌های شاه‌عباسی

برای نمونه از راه‌های اساسی شاه‌عباس که با هزینه‌های گرافی ساخته شد میتوان جاده‌های زیر را نام برد :

۱ - راه جدید الاحداث ساخته شده از سنگ و ساروج جهت استان مازندران و امتداد آن بطول ۲۷۰ کیلومتر در سواحل دریای خزر بود که چگونگی آن باختصار از تاریخ عالم‌آرای‌عباسی در زیر نقل میشود: « القصه استادان چابک‌دست و تبرداران بر رودخانه‌ها که بر سمت راه واقع بود بنای عالی استوار بسنگ و آجر و آهک تعمیر و ترتیب دادند و در ممر سیلابهای عظیم که از قله جبال میریزد نقب‌ها کنده بسنگ و آجر و آهک ممر را انجام داده و برودخانه ملحق گردانیدند . و در همواری خیابانها طرح کرده هرچه جنگل بود از درختان سطر خالی کردند و ریگ از جاهای دور دست آورده ماهی پشت بلند گردانیدند و در دو طرف آن جوپها کنده شد که آب باران برودخانه‌ها جاری گردد . و مضایق جبال را بفتون غریبه توسیع داده بعضی جاها را چوب‌های قوی انداخته آنچه سنگ خارا بود سنگ‌بران تراشیده و صنایع بدیع بطهور آوردند چنانکه در اندک زمانی این کار خیر بنوعی که مکنون خاطر انور بود صورت انجام یافت و اکنون شتران باردار قطار قطار پهلوئی یکدیگر بفرات عبور مینمایند و از اتفاقات حسنه (کارخیر) تاریخ این کارخیر انجام است »^۸ .

۲ - شاهراه تبریز و قافلان کوه که پس از زیرسازی کامل سرتاسر آنرا با سنگ فرش کردند .

همچنین جاده‌های سخت کوهستانی میان شریف‌آباد تا مشهد و غیره . ولی مهم‌ترین راهسازی که از نظر اهمیت فنی آترمان بمنزله شاهکاری بشمار میرفت جاده نوبنیادی بود که از میان دریاچه نمکسار کویر مرکزی ایران گذشته بشهر دامغان و شاهراه خراسان منتهی میگردد . مسافتی بطول ده فرسنگ لجن‌زارهای سست و لغزنده کویری و اعماق شورابه‌های نمک‌زار را با ذغال چوب و سنگ و ساروج پی‌ریزی و استوار نمودند و در فواصل آن نیز کاروانسراهای سیاه‌کوه و مرنجاب با وسائل تأمین زندگانی عابری از آب شیرین گوارا و آذوقه لازم فراهم ساخته بودند .

- ۲ - ص ۱۱۷ تاریخ اصفهان و ری تألیف جابری انصاری .
- ۳ - ناصرالدین‌شاه قاجار درسفرنامه خراسان کاروانسرای قدیمی انوشیروان را یاد کرده و نام برده است .
- ۴ - ص ۱۵۶ سفرنامه مرو از کتاب سه سفرنامه انتشارات دانشگاه تهران .
- ۵ - ص ۶۷ و ۶۸ کتاب نسائم الاسفار .
- ۶ - ص ۱۷۱ ج ۴ سیاحتنامه شاردن فرانسوی .
- ۷ - ص ۶۸۹ سفرنامه دیولافوا .
- ۸ - ص ۹۹۰ ج ۲ عالم‌آرای‌عباسی . کارخیر = ۱۰۳۱ .

و بگفته مؤلف عالم آرای عباسی فقط جهت هزینه‌های نقدی ساختن این راه در حدود ده هزار تومان صرف شده است^۹.
توماس هربرت که در عصر شاه عباس همراه هیئت سفارت انگلیس از این راه عبور نموده مینویسد:

«بیشتر از نیمی از شب را ما از روی يك جاده شوسه سنگ‌چین شده رانديم اين جاده چنان پهن بود که ده نفر سوار کنار یکدیگر میتوانند برانند این راه عریض تحت شرایط بسیار صعب و با هزینه بسیار زیادی در کنار بیابان احداث شده بود»^{۱۰}.

از آنجائیکه بطور کلی گفتگو در این باره دامنه‌دارتر از آنستکه در مقاله حاضر مطرح گردد، از این رو اکنون بررسی یکی از خطوط ارتباطی مهم آن زمان که از جنبه‌های گوناگون بازرگانی، جهانگردی و بخصوص تشویق و تسهیل وسائل مسافرت کاروانهای بزرگ زوار بقاع متبرکه داخل ایران شایان اهمیت بوده است می‌پردازیم و آن شاهراه پررفت و آمد میان شهر قم (که بمنزله چهارسوی راههای عمده استانهای مرکزی، شمالی و غرب کشور بوده است) تا شهرستان اصفهان پایتخت آن زمان است. این راه که از کاشان میگذشت حتی

تا اواخر دوره قاجاریه یعنی زمانی هم که اصفهان اعتبار و اهمیت پایتخت بودن خود را از دست داده بود همچنان از شاهراه‌های معتبر و درجه اول مملکت بشمار میرفت چنانکه یکی از مسافران صاحب نظر این راه در اوایل قرن حاضر مینویسد:

«کاشان بمنزله چهار راهی است که دوجاده بزرگ جنوبی ایران که یکی از بندرعباس و دیگری از بندر بوشهر می‌آید در آنجا بیکدیگر میرسند»^{۱۱}.

از این شاهراه چندین جاده‌های فرعی دیگر نیز منشعب گشته و یا با یکدیگر تلاقی می‌نمودند. شاید بی‌مناسبت نباشد پیش از آنکه شبکه جدید الاحداث راههای شاه‌عباسی اشاره کنیم بسوابق کار نظری بیفکنیم - نخستین شاهراه عمومی باستانی میان قم - کاشان و اصفهان جاده‌ای بود که از پائین دامنه‌های آبریز سلسله کوه رود و از کناره‌های غربی کویر نمک بطرف جنوب امتداد یافته در حدود نظنز بدامنه‌های کوه کرکس میرسید.

قسمت‌های کویری این جاده را که از خاک کاشان میگذشت بر اثر طوفانهای پرگرد و غبار کویر اغلب اوقات

قریه قهرود تا اواخر قرن گذشته. بالا در سمت راست قلعه قدیمی - طرف چپ خانه‌های اهالی - پائین کاروانسرای شاه‌عباس



پوششی از تپه‌های ریگ روان فرا میگرفت و سپس ارتفاعات پر برف کوه کرکس در طرف غرب جاده و قلعه خشک سیاه کوه در سراسیمه‌های جلگه گرم و بایر کویری سمت شرق نمایان بود.

اولین منزل و توقف گاه این جاده بعد از قم آبادی معتبری بنام حسین آباد عربها بود و چون این آبادی جایگاه قشلاقی ایل عرب معروف به میش مست بود از اینجهت معدودی ساختمانهای منفرد و پراکنده آن مدت چندین ماه از سال که خالی و غیرمسکون میگردد مورد استفاده کاروانیان مخصوصاً قافله‌های شترداران که مهم‌ترین وسیله حمل و نقل آن ایام بود قرار میگرفت و این همان راهی است که تاورنیه فرانسوی در سفرنامه خود بآن اشاره نموده میگوید :

« از شهر قم که بیرون میروند بعد از چهارساعت راه بقریه خوبی که چهار پنج کاروانسرا دارد میرسند . و از آنجا باید میان شن زار طی طریق کرد تا رسید بمنزل دیگری موسوم به آب شیرین که سه کاروانسرا دارد . از آب شیرین تا کاشان شش ساعت راه است و همه از صحرای حاصلخیزی میگذرد در بین راه دوقریه بزرگ هم دیده میشود»^{۱۴} . ولی در حدود آب شیرین آبادی‌های دیگر هم اقامت گاه کاروانیان قرار میگرفت از آنجمله کاروانسرای بزرگ و قدیمی احمدآباد (از بناهای معین‌الدین احمد مختص الملوك كاشی وزیر مقتول سلطان سنجر سلجوقی) که در طول چندین قرن مناسب‌ترین منزلگاه مسافرین و عابرین این راه بوده است .

منزلگاه معتبر دیگر این جاده کاروانسرای وسیع و مجلل شاه‌عباسی در قریه نصرآباد خرپوزه واقع در سه فرسخی کاشان بود که با تحمل ویرانی‌های قرون گذشته هنوز هم سردر و دهلیز و قسمت‌هایی از بنای آن پا برجا مانده است .

شاهراه قدیم کاشان باصفهان - این راه چون از طریق قریه ابوزیدآباد (واقع در ۳۰ کیلومتری جنوب خاوری کاشان) و کناره‌های کویر میگذشت فصل تابستان در مسیر طوفانهای موسمی کویر و توده‌های انبوه ریگ روان قرار میگرفت و تا حدود خالدآباد - یعنی منزل دوم اوضاع جوی بدان منوال بود و از آن پس در منطقه کوهستانی حوالی قصبه نظنر راه دوشعبه میگردد جناح شرقی از راه اردستان و نائین به یزد و کرمان میرفت تا بندرعباس ادامه داشت و جناح دیگر بطور مستقیم پس از عبور از منزلگاه‌های سردهن ، دنبی و رباط عباسی بشهر اصفهان منتهی میگردد .

نویسنده رساله (سیاحت‌نامه) که جهت احداث خطوط سیم تلگراف این راه را بازدید نموده منازل و توقف‌گاههای هفت گانه باهشت باب کاروانسراهای شاه‌عباسی آنرا چنین یاد میکند^{۱۳} .

منزل اول کاشان به ابوزیدآباد ۵ فرسخ
دوم . به خالدآباد ۵ فرسخ
سوم . نظنر ۳/۵ فرسخ
چهارم . پس از عبور از رباط عباسی بین راه به کاروانسراهای عباسی سرگردنه سردهن ۵ فرسخ
پنجم . کاروانسرای دنبی ۵ فرسخ
و از آنجا پس از عبور از رباط عباسی بین راه تا شهر

اصفهان ۷ فرسخ
ولی قدیمی‌ترین مأخذ مربوط به قرون اولیه اسلامی (کتاب اعلای النقیسه در سال ۲۹۰ هجری) منازل جاده اصفهان تا ری و فواصل آنها را بدینگونه برشمرده است^{۱۴} .

از اصفهان تا برخوار	۳	فرسخ
از برخوار تا رباط وز	۷	«
از رباط وز تا طرق	۵	«
از طرق تا اصفاه	۶	«
اصفاه تا دکان	۵	«
دکان تا باد	۵	«
باد تا ابروز	۵	«
ابروز تا نوش‌آباد	۲	«
نوش‌آباد تا ورازبان	۵	«
ورازبان تا مقطعه	۵	«
مقطعه تا قادسی	۹	«
قادسی تا وزاه	۵	«
وزاه تا ری	۷	«

بدیهی است که در برخی از اسامی منازل نامبرده در طول هزار و اندی سال گذشته تحریف و تغییراتی راه یافته است . و اینک نگاهی به شبکه راههای جدیدالاحداث این حدود که باهر شاه‌عباس کبیر ساخته شد .

شاهراه نوینادی که بمنظور ارتباط و اتصال مستقیم میان پایتخت (اصفهان) تا سواحل دریای خزر ایجاد گردید پس از عبور از قراء کر و مورچه‌خورت از سه طریق بشهر کاشان میرسید :

- ۹ - ص ۱۱۱۱ عالم‌آرای عباسی .
۱۰ - ص ۱۲۲ ج اول کتاب اسناد مصور اروپائیان از ایران (انتشارات دانشگاه تهران) .
۱۱ - پروفیسور ادوارد برون در ص ۱۶۵ کتاب یکسال در میان ایرانیان .
۱۲ - ص ۸۶ سفرنامه تاورنیه فرانسوی .
۱۳ - نسخه خطی رساله سیاحت‌نامه کتابخانه مجلس شورای ملی .
۱۴ - ص ۱۹۱ - ۱۹۰ کتاب اعلای النقیسه .



منظره‌ای از آبادی و ساختمانهای کنونی قریه قهرود

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آبادی‌های جدید الاحداث که از برکت آب سد قهرود بوجود آمده بود عبور می‌نمود. شاردن فرانسوی پس از توصیف سد قهرود گوید:

«بدستور این شاهنشاه جاده‌های خوبی نیز در این حدود برای تسهیل عبور و مرور مسافرین ساخته شده است» در اینجا شاه عباس یکی از بزرگترین آثار عمرانی دوران پادشاهی خود را بیادگار گذارده است بدینگونه که برای جمع آوری و ذخیره کردن فاضل آب چشمه‌سارهای کوه‌رود و استفاده کشاورزی از آنها و بخصوص تأمین آب مشروب شهر کاشان که در منطقه‌ای خشک و کم آب واقع شده است در دوازده کیلومتری پست‌ترین دره‌های آبریز قهرود سد معتبری با سنگ و ساروج احداث گردید که طول دیوار حدفاصل میان دو کوه ۳۶ ذرع در عرض

۱ - جناح شرقی آن که در حدود کاروانسرای سردهن با جاده قدیم تقاطع می‌نمود و این راه از جهت هموار بودن سطح جاده هنگام لشکرکشی برای حمل و نقل توپخانه و مهمات جنگی و همچنین کاروانهای بزرگ شترداران بسیار مناسب بود و مورد استفاده قرار میگرفت.

۲ - جاده جدید الاحداث قهرود: از کاروانسرای مورچه‌خورت با تمایل بسمت مغرب از آبادی بنام (سویاسه) عبور نموده پس از بالا رفتن از ارتفاعات کوه‌رود بقریه ییلاقی قهرود سرازیر میگردد. در تمام این قسمت راه تا کاروانسرای گبرآباد که دو فرسنگ پائین‌تر واقع شده راهسازی‌های اساسی و استواری بعمل آمد. و از گبرآباد روی دامنه‌های هموار جاده مستقیم و خیابان مشجری تا دروازه شهر کاشان از میان

۲۰ ذرع بود و ارتفاع آن به ۲۳ ذرع میرسید. دیوار بدنه داخلی محوطه آبگیر سد قائم بر کف و کاملاً عمودی شکل ساخته شده ولی دیوار پشت سد دارای نشیب تندی میباشد. روی دیوار سد چاهی است که مانند دولوله درجوف یکدیگر واقع شده و در اطراف لوله داخلی یکرشته پلکان مارپیچی شکل تا عمق سد ساخته شده که در آنجا با دریچه بندوبست آب دریاچه پشت سد مربوط میگردد. چاه وسط در حالیکه نوربخش پلکانها میباشد از فشار آب بداخل کانال پشت سد نیز جلوگیری میکند. خلاصه آنکه جمیع نکات لازم و دقایق فنی آنچنان در این سد رعایت شده که پس از طی زمانی نزدیک به چهارصد سال دوره کار و بهره برداری از آن هنوز هم مورد استفاده میباشد. یکی از نویسندگان کارآگاه آن عصر که خود برادرش (آقاخضرای نهایندی وزیر کاشان) در احداث و اداره نمودن آثار شاه عباس در کاشان شخصاً شرکت داشته اند در فهرست کارهای انجام یافته برای آن شهر مینویسد:

«از آنجمله سد دره قهرود که پنج فرسخی کاشان است بسته که از اعجوبه های روزگار است و آب آن سد را بشهر کاشان آورده از آن سد تا شهر کاشان که پنج فرسخ بوده باشد خیابان نموده که مترددین در سایه درخت و کنار آب روان بیابند و الحق کوهی از سنگ و آهک در میان کوه ساخته و آن دو کوه را بهم اتصال داده و دریای وسیعی بهم رسیده . . .» و در ضمن قصیده ای که یکی از گویندگان آن عصر بمناسبت اتمام بنای سد ساخته گوید:

شاه عباس آنکه عزمش را فلک
سد راه فتنه و شر آمده
داد فرمان چون سکندر حضر را
آنکه چون خضر بیمبر آمده
سال اتمام بنایش را خرد
این دو مصرع زیب گستر آمده

وضع یا جوج حوادث را چو عدل (۱۰۱۰)
ثانی سد سکندر آمده = ۱۰۱۰

مازاد نهر آب سرشاری که از سد قهرود سرازیر میگردد پس از رفع نیازمندی های چندین کوی و برزن شهر کاشان بمصرف کشاورزی در اراضی حومه های جنوب شرقی آن شهر میرسید و چون بعدها بامر شاه صفی در این مکان مزرعه، قلعه و عمارات و باغناه جدیدی احداث نمودند مجموعه آنها به باغناه صفی آباد نامبردار و مشهور گردید که تمامی آنها بهنگام فتنه افغان بکلی ویران گشته است و امروزه اثری از ابنیه گذشته در آنجا دیده نمیشود.

سبب دیگر آوردن آب قهرود بداخل شهر کاشان خصوصیات طبیعی و گوارا بودن و قابل شرب آن بود که در فصل

زمستان از مجاری سرپوشیده وسط کوجه ها بر که های بزرگ و آب انبارهای عمومی شهر را با آب پاک چشمه سارهای کوهستانی پر کرده مصرف یکسال اهالی را تأمین نمایند و بگفته مؤلف کتاب تاریخ مرآت قاسان:

«در وسط زمستان هر سال از آب شاه مزرعه صفی آباد که از بند قهرود هفت فرسخ طی مسافت نموده در کمال برودت و گوارایی و خوش طعمی آورده و در بر که ها اندازند و در عین تابستان که مشرب های از آن بخانه آورند بحدی سرد و برد است که اصلاً و مطلقاً حاجت به بیخ و یرف نیست»^{۱۶}.

جهانگردان بیگانه عهد صفویه تا دوره قاجاریه که از کنار سد قهرود عبور نموده اند همگی با نظر تحسین و آفرین آنرا یاد کرده اند از آنجمله لرد کرزن انگلیسی در فصل بررسی منابع ثروت ایران چنین نتیجه میگیرد:

«از آثار آبادی و اقدامات سلاطین اخیر ایران تنها سد قهرود باقی است که بفرمان شاه عباس کبیر انجام یافته و تا کنون مورد استفاده میباشد. دیگر چیز قابل توجهی در سرتاسر ایران یافت نمیشود»^{۱۷}.

جاده قهرود مخصوصاً در سه فصل از سال یعنی بهار و تابستان و پاییز مهم ترین شاهراه جنوب کشور بشمار میرفت خطوط سیم تلگراف و چاپار و پست دولتی نیز در امتداد این راه دایر بود. ولی از اوایل قرن حاضر که چاپارخانه دولتی بواسطه براه انداختن گاریهای چهار چرخ و امثال آنها نیازمند به جاده های عرابه رو و هموار بود بدینجهت جاده ابوزید آباد به خالدا آباد را که کاملاً مسطح بود مورد استفاده قرار دادند. چنانکه خط آهن کاشان باصفهان نیز تقریباً در امتداد همین راه کشیده و دایر شده است.

یکی از جهانگردان فرانسوی درباره خصوصیات این راهها چنین اظهار نظر میکند:

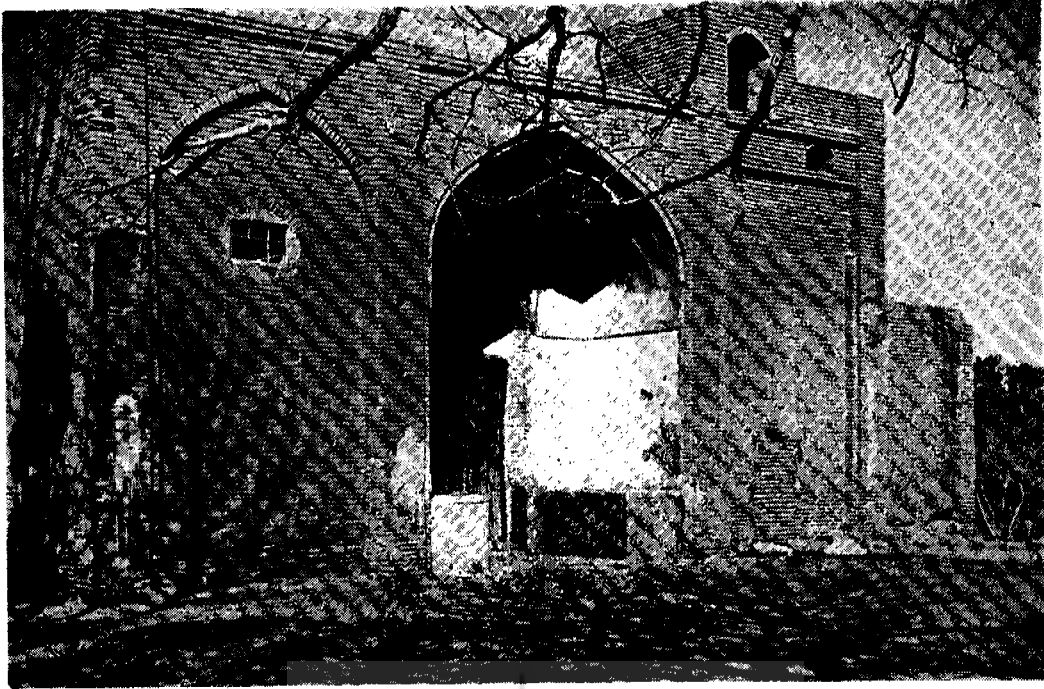
«کاشان از دو راه باصفهان اتصال پیدا میکند. یکی راه زمستانی است که از قصبه نظنز عبور میکند و در آنجا مسجدی است که کاشی های صیقلی قابل تمجید و توجهی دارد و دیگری راه تابستانی است که در زمستان متروک است و از دامنه جبال مرتفعی بطور مارپیچ بالا میرود و ما همین راه را اختیار کردیم. در این راه مناظر زیبا و آراسته طبیعت خستگی و سختی را از یاد می برد همه جا کوهستان سبز و خرم و از انواع گلهای قشنگ و جالب توجه مستور است»^{۱۸}.

و همو درباره قریه قهرود گوید: «این قصبه در کوهستان

۱۵ - ۸ ص مآثر رحیمیه و ص ۳۲۱ - ۳۲۲ کتاب آثار تاریخی کاشان و نظنز تألیف نگارنده.

۱۶ - ۱۰۳ ص تاریخ کاشان چاپ دوم.

۱۷ - ۱۰۶ ص ج ۲ جهانگردی در ایران.



جبهه غربی با درگاه ورودی به عمارت تاریخی تاج‌آباد نظنز

دامنه‌های شرقی خطه سرسبز کرکس کوه نظنز میگذشت بمناسبت مساعد بودن آب‌وهوای خوش و فرح‌بخش آن و وفور وحش و طیر کوهسار و دشت و بیابان خرم آنجا که نزدیکترین شکارگاه پایتخت بود برای استفاده از موقعیت ممتاز آن بامر شاه‌عباس در چندین مکان تفریح‌گاههای بیلاقی با عمارات باشکوه و بستانسراهای زیبا برپا ساختند با وضعی که علاوه بر لوازم زندگانی و توقف‌گاههای شاهانه گنجایش پذیرائی از دستگاہ وسیع سلطنتی با کلیه خدم و حشم درباری که لازمه شکارگاههای بزرگ بود آماده و مهیا باشد چنانکه تاورنیه فرانسوی درباره تجمل اینگونه شکارگاهها مینویسد:

«در دنیا هیچ دستگاہ تجمل و جلالی بالاتر و با عظمت‌تر از حشمت و تجمل شاه ایران درموقع شکار رفتن نمی‌توان تصور کرد که تمام بزرگان دربار در معیت اوسوار شده و هر یک مازی بروی دست میگیرند»^{۴۳}.

باغ و عمارات تاج‌آباد نظنز و سوابق تاریخی آن

علاوه بر جهات عمومی درانتخاب منازل اختصاصی شاهانه بین راه صفحه نظنز از دو نظر خاص دیگر نیز مورد کمال توجه شاهنشاه صفوی قرار گرفت. یکی موقعیت دلپذیر طبیعی و اقلیمی، آب‌وهوای معتدل و میوه‌های مطبوع آن و دیگر فراوانی و حوش

در میان اشجار مستور گردیده و مانند امکنه عبادتگاه جبال‌آلپ که در تمام زمستان از برف مستور میشود و آنها نیز تقریباً شش‌ماه از سال با سکنه دشت‌ها قطع ارتباط میکنند. با اعراب و مغولها چندین تماسی حاصل نکرده‌اند نژاد و خون و زبان خود را از اختلاط محفوظ داشته‌اند. در زبان معمولی آنها کمتر بریشه‌های زبانهای بیگانه برمی‌خوریم و چنین بنظر می‌آید که مردم آن شباهتی بمردمان دوره باستانی پهلوی داشته باشند»^{۴۹}.

جاده سوم اصفهان بکاشان

اسکندربیک منشی در ذکر خیر و انشاء واحداث عمارات شاه‌عباس گوید:

«از اصفهان تا قصبه اشرف (مازندران) در هر محله چهار فرسخی عمارتی مشتمل برخانه‌های نشیمن و بیوتات و باغها است که اکثر حمام دارد و در جمیع بیوتات مایحتاج تزول همایونی مهیا و آماده است»^{۴۰} همچنانکه شاردن نیز گوید:

«در کلیه جاده‌ها و راههاییکه معمولاً در مسیر پادشاهان ایران قرار دارد در همه‌جا دو فرسنگ بدو فرسنگ منازل کوچک مخصوص تفریح تعبیه و آماده شده است»^{۴۱}.

اما چگونگی این منازل در میان اصفهان و کاشان که از

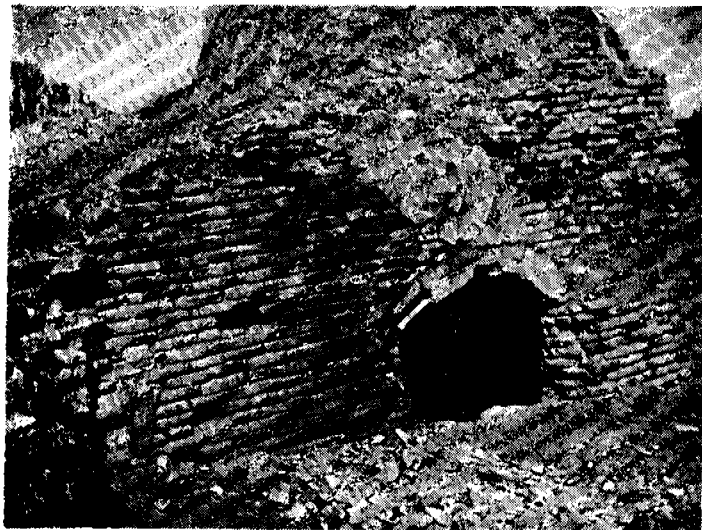
زندگانی شاهعباس دوم آورده‌اند که «بعد از حرکت از اصفهان . . . روز پنجم باغ مبارکه تاج‌آباد مضرب سرافقات جاه و جلال گردیده در آن مکان خلدنشان که از حیثیت اهراز هوا و بی‌اندازگی لطف و سرشاری صفا از سایر بساتین روی زمین امتیاز دارد تا پنج یوم اقامت نموده بسیر آن باغ دلگشای و تماشای آن روزه ارم فضا نشاط اندوز و فرح‌افزا بودند . نظم :

چه گویم از آن باغ پرآب و تاب
که بتوان گرفت از هوایش گلاب
در آن باغ کز وی خزان پاکشید
توان نغمه بلبل از گل شنید
در او شادمانی ندارد حساب
که گل میکند کار جام شراب
کنم نسبتش گر بچنت خطاست
تفاوت بین از کجا تا کجا است
بر خوبیش هست فردوس زشت
که چون شاه سروی ندارد بهشت^{۲۴}

در همان مأخذ ضمن حوادث سال ۱۰۷۰ چنین آمده است :
«در باغ بهشت بنیاد تاج‌آباد چند روز بجهت سیر و شکار و تفریح آن گلزار توقف فرموده متوجه دارالمؤمنین کاشان گشتند و عمارت چشمه فین که نمونه‌ایست از قصور انهار بهشت برین مقرر ایات نصرت آیات شد»^{۲۵} .

وضع کنونی بناهای قدیمی تاج‌آباد :

عمارت اصلی و اولیه میان باغ با نقشه کامل عمارت عهد صفوی عبارت از تالار بزرگی است در وسط بنا و چهار اطاق در چهار زاویه آن که بوسیله چهار غرفه مسقف یکدیگر مربوط گشته است . جبهه شرقی بنا مشرف به خیابان وسیعی است که وسط آن نهری از سنگ‌های تراشیده ساخته شده و بحوض بزرگ پائین خیابان منتهی می‌گردد . مجموعه این بنا و خیابان جدول سنگی آن خوب و سالم باقی مانده است . نکته قابل تذکر دیگر آنکه با توجه به مندرجات مقاله سابق نگارنده (درص ۹ تا ۲۴ شماره ۱۰۱ همین مجله) راجع بحمام تاریخی باغ‌شاه فین اینک درباره گرمابه مخصوص تاج‌آباد نظنز که در تاریخ عالم‌آرای عباسی



نمای خارجی مدخل و سقف گنبدی صحن حمام اختصاصی تاج‌آباد در نظنز

و طیور در کوه و هامون که آن را شکارگاهی مطلوب و دلپسند می‌ساخت .

از این رو در ده کیلومتری جنوب قصبه نظنز باغی وسیع با عمارت مجللی بنام تاج‌آباد احداث و آباد گردید که اسکندربیک منشی در ذکر آثار و عمارات احداثی شاه‌عباس بدینگونه آنرا یاد میکند : «در نظنز باغ تاج‌آباد مع عمارات درگاه و بالاخانها و حمام و غیره» شاه‌عباس کبیر گاه و ناگاه خواه محض تفریح و تفریح و صید و شکار و یا در مسافرت‌های خود چندی در باغ تاج‌آباد توقف و استراحت می‌نمود .

چنانچه مؤلف تاریخ عباسی (ملاجلال منجم) ضمن وقایع سال ۱۰۱۶ چنین گوید :

«چون بی‌باغ تاج‌آباد که از مبدعات کلب آستان علیست و در او عمارات عالی است و مشتمل بر انهار و آبشارها و درختان سربلک کشیده و حوض بس عالی نفیس رسیدند و با زنان مطربه خوب صورت با تحف و هدایا و اسباب طرب که چند روز بود انتظار مقدم میکشیدند نشستند و ساز و صحبت مشغول شدند»^{۲۳} .

همین نویسنده در وقایع سال ۱۰۱۸ نیز گوید :

« . . . چون ترول به تاج‌آباد نظنز فرمودند و در تاج‌آباد چشم رئیس شکرالله طرقي را کور کردند بسبب زیادتی و ظلمی که بر عیبت کرده بود و توقف سه روز بجهت سیر و شکار بود و بدیدن کان سنگ مرمر جدید که از محدثات زمان کلب آستان علی است رفتند .

و بدوره‌های بعد از شاه‌عباس اول هم باغ و کاخ تاج‌آباد مورد توجه و محل توقف جانشینان وی بود چنانکه در تاریخ

۱۸ و ۱۹ - صفحات ۲۰۹ و ۲۱۰ سفرنامه مادام دیولافوا .
۲۰ - ص ۱۱۱۱ ج ۲ عالم‌آرای عباسی .
۲۱ و ۲۲ - صفحات ۲۵۵ ج ۸ سیاحتنامه شاردن ص ۵۸۶ سفرنامه تاورنیه .
۲۳ - نسخه خطی تاریخ عباسی جلال منجم متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی .
۲۴ و ۲۵ - ص ۹۴ و ۹۵ و ۲۶۴ تاریخ عباسنامه .

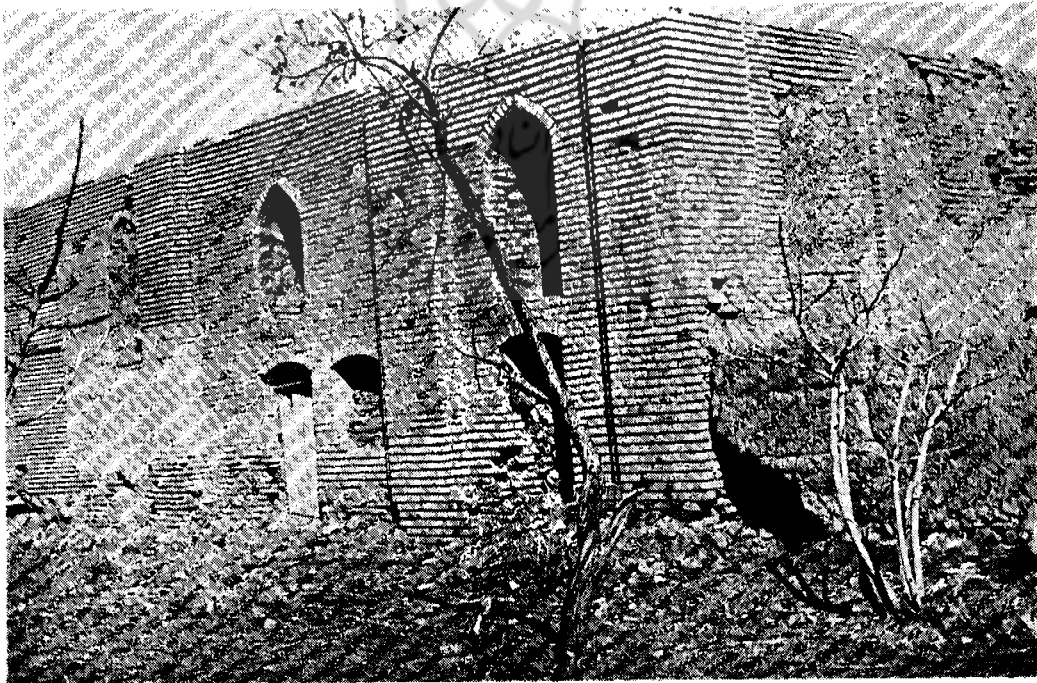
عباس آباد شکارگاه

این باغ و عمارت نیز یکی دیگر از بناهای شاه عباس اول است که میان نطنز و کاشان در دامنه و دره‌های خوش‌روح و با صفای کرکس کوه واقع شده و بگفته ژنرال سرپرسی سایکس انگلیسی: «تماشای دورنماهای دلفریب عباس‌آباد و کاج و صنوبر آن منظره بدیعی دارد»^{۴۷} ابنیه و عمارات آن با سبک و اسلوب مخصوص عهد صفوی ساخته شده و مانند باغ و عمارت تاج‌آباد توقف‌گاهی بوده شاهانه و جامع همه‌گونه وسائل آسایش و تفریح بویژه شکارگاهی مناسب جهت صید آهوی دشت و غزال کوه و هامونش که هنوز هم زیبایی‌های طبیعی خود را از دست نداده، چنانکه هرگاه دست توجه و نوازشگری به آراستن و پیراستن کاخ و بستان‌سرای دل‌آویزش به‌پردازد باشد که گوهر ارزنده دیگری بر فهرست آثار تاریخی و دیدنی‌های فرح‌بخش ایران پیوسته گردد. چه آنکه از عباس‌آباد شکارگاه ناخرم دشت (۲۰ کیلومتری کاشان) که در دامنه‌های خاوری کرکس کوه واقع است از یکسو نشیب و فراز دره‌های پر برف کوهسار وضع و منظره دلپذیری بدان بخشیده و از سوی دیگر سرایشی جلگه‌های مسطح و همواری که در انتهای آن‌قله سیاه کوه نمودار میگردد انواع وحش و طیر بیابانهای دور دست را بسوی

تصریح باحداث آن بامر شاه‌عباس اول گردیده باید گفته شود که این بنا دومین حمام اختصاصی یکی از کاخ‌های احدائی شاه‌عباس اول میباشد که تا بحال باقی و برج مانده است. طرح و نقشه عمارات موجود در تاج‌آباد عیناً همانند بناهایی است که تا ورنیه فرانسوی در باغ هزارجریب اصفهان دیده و در سفرنامه خود وصف آنها را نموده است.

این باغ و کاخ شاهانه که شمه‌ای از سوابق تاریخی آن گفته شد اصولاً مانند کلیه اموال و املاک احدائی شاه‌عباس بزرگ وقف عام بوده است^{۴۸}. از اواسط عهد قاجاریه تاج‌آباد بتصرف اشخاص درآمد است ولی بر اثر حسن‌نیت مالکین محلی آن خوشبختانه در صدد انهدام و ویران ساختن ابنیه و عمارتش بر نیامده‌اند. بدینجهت نه تنها در نقشه و اسلوب اولیه آن چندان تغییراتی راه نیافته بلکه عمارت‌های مهم آنجا با برخی از نقش‌ونگار و تزئینات اولیه عهد صفوی بر سقف و جدارش هنوز دیده میشود و حتی قسمتی از حمام اختصاصی آن مانند سقف گنبدی شکل صحن گرمابه و خزینه باقی و برج مانده است بطوریکه با اندک بذل توجه مقامات باستانشناسی جهت مرمت لازم و نگهداری از آن يك اثر بسیار مهم تاریخی دیگر که واجد مزایای بیشماری میباشد بر سر راه اصفهان بر فهرست آثار باستانی کشور افزوده میشود.

جبهه خارجی سمت جنوب ساختمان عمارت تاج‌آباد در نطنز

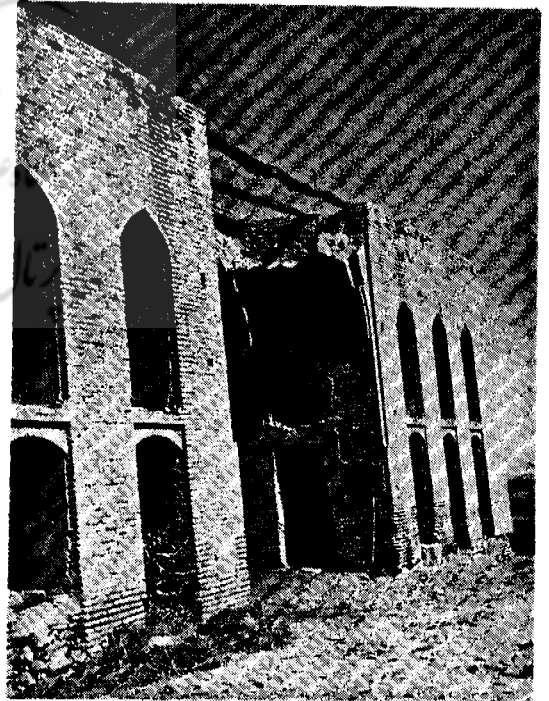


چراگاههای سبز و خرم و چشمه‌سارهای گوارای خود جلب می‌نماید .

جاده دوم کاشان بقم و تهران - این جاده از روی دامنه‌های سمت غرب شاهراه قدیم بخط مستقیم تا آبادی و سرچشمه قنات دهنار پیش‌رفته . در میان ارتفاعات دهنار و گردنه شوراب محلی موسوم به باغ شاه بر سر راه واقع شده که به دوران صفویه باغ و عمارت و توقف‌گاهی شاهانه بوده است آثار قلعه‌بندی و دیوارهای فروریخته آن هنوز هم بنام باغ شاه مشهور میباشد^{۴۸} . این جاده که پس از فرود آمدن از گردنه شوراب در امتداد کاروانسرای پاسنگان و مزرعه لنگرود بشهر قم می‌پیوست به جاده بالا یا شوراب معروف بود و در فواصل سه فرسخی آن یعنی قریه نصرآباد ، سن سن ، شوراب و پاسنگان کاروانسراهای معتبر شاه‌عباسی منزلگاه کاروانها بود . از عهد صفویه به بعد رفته رفته وسائل ارتباطی مانند چارخانه‌های اسبی که بعدها عرابه‌رو گردید ، پست دولتی ، سیم تلگراف و پاسدارخانه‌های امنیه و غیره در این راه دایر و برقرار گردید بطوریکه در تمام دوره‌های قاجاریه شاهراه اصلی جنوب ایران بشمار میرفت .

مسافر صاحب‌نظری در قرن حاضر مینویسد (راه یزد از کاشان متفرع میگردد همانگونه که راه اصفهان و شیراز هم

نمای خارجی قسمتی از ساختمانهای عمارت باغ عباس‌آباد « شکارگاه »



از کاشان جدا میشود و کاشان بمنزله چهارراهی است که دو جاده بزرگ جنوبی ایران در آنجا یکدیگر میرسند)^{۴۹} .

جاده اسفالته کنونی قم به کاشان مابین این شاهراه و جاده کویری پائین احداث گردیده است . در زمان انقلاب و ناامنی‌های پانزده‌ساله اوایل مشروطه بواسطه تمرکز اشرار در کاشان و ناتوانی دولت برای حفظ امنیت راهها ناگزیر این شاهراه قدیمی متروک شد و جاده فرعی قم و اصفهان از طریق محلات و میمه بتدریج مورد استفاده عابرین و حمایت دولت قرار گرفت و بدینجهت روز بروز بر اهمیت آن افزوده شد و برعکس شاهراه اصلی قم - کاشان و اصفهان اعتبار سابق خود را بکلی از دست داد . کاروانسراها و منزلگاههای آن نیز قهراً رو بانهدام و ویرانی نهاد .

رابط و کاروانسراهای شاه‌عباسی

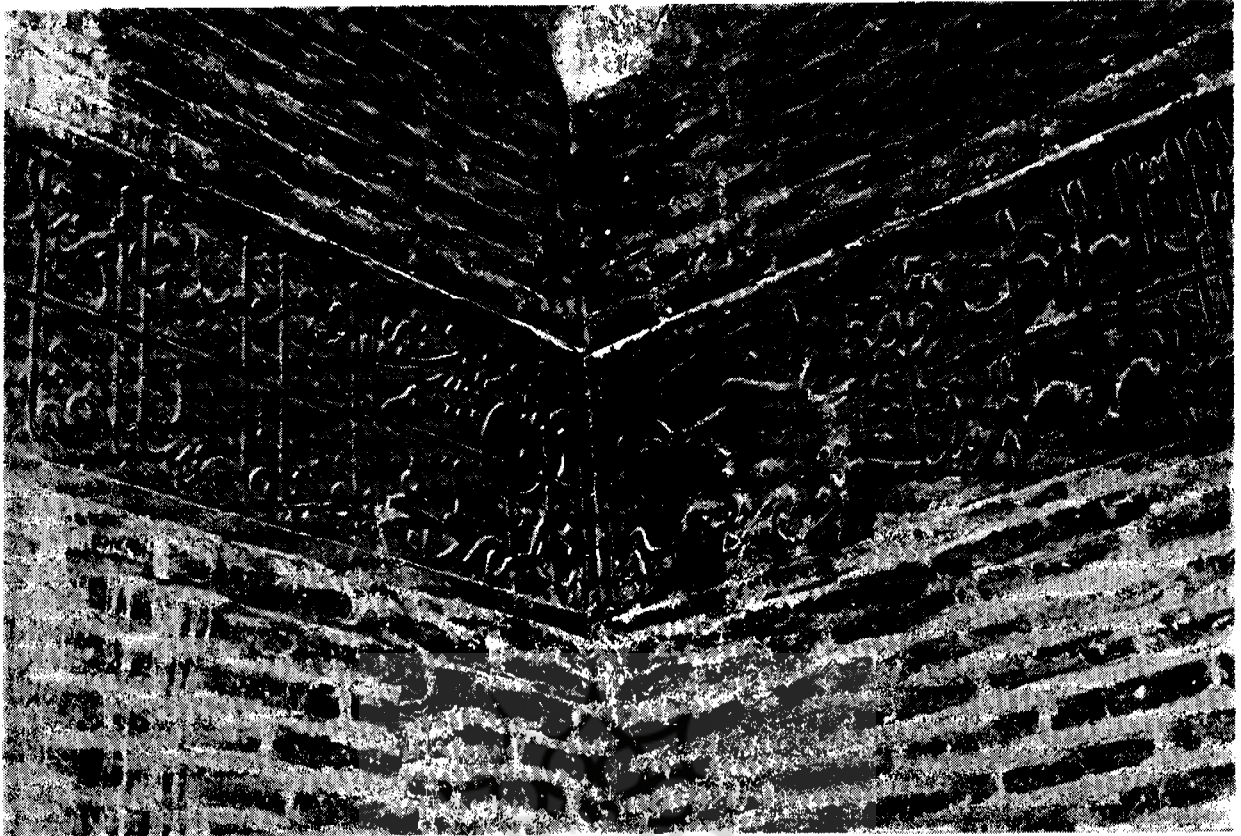
یکی از بزرگترین علل نیک‌نامی و حسن‌شهرت شاه‌عباس کبیر در میان توده‌های ایرانیان بدون‌شک توجه‌بیدریغ و اهتمام کاملی است که جهت تأمین رفاه و آسایش مسافرین و جهانگردان بعمل آورده است بخصوص احداث رابط و کاروانسراهای بیابانی که در سرتاسر شاهراههای کشور بنام او باقی مانده است .

تاورنیه جواهر فروش و جهانگرد فرانسوی که از سال ۱۶۳۲ تا ۱۶۶۸ میلادی (از دوره سلطنت شاه‌صفی تا شاه‌سلیمان صفوی) درشش مرحله مسافرتهاى خود بخاورزمین نهار با ایران آمده شاهراههای مختلف و شهرهای بزرگ و کوچک این کشور را از زیر پای خود بدر کرده است در این باره مینویسد : «در تمام خاک ایران خصوصاً از تبریز تا اصفهان و از آنجا تا هرمز در مسافت‌های معین و متساوی کاروانسراهای عالی دیده میشود»^{۴۰} و همودرجای دیگر مینویسد : «عموماً وضع کاروانسرا در ایران هم از حیث راحتی و هم از بابت عظمت بنا بهتر از عثمانی است و بفاصله‌های معین در همه‌جای مملکت کاروانسرائی بنا شده است اگر این ترتیب کاروانسرا برای متمولین براحتی

۲۶ - ص ۴۰۵ ج ۸ سیاحتنامه شاردن و در نسخه خطی تاریخ منظوم صفویه (کتابخانه ملی ملک) نیز بدینگونه تصریح شده است :

چو عباس آباد شد وقف از او
قیامت نیفتد عبوش بر او
شد از تاج آباد کردن سبیل
قیامت بناج کرامت جلیل
شد از بند قهرود کردن سبیل
گشاده ره کوثر و سلسبیل

۲۷ - ص ۲۱۰ سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس .
۲۸ - نجم‌الملک در ص ۱۸۰ سفرنامه خوزستان این محل را باغ‌شاه بداغ نامیده است .
۲۹ - ص ۱۶۵ یکسال در میان ایرانیان پروفور ادوارد برون .



کتیبه کاشی کاری سردر کاروانسرای شاهعباس - نطنز

نموده‌اند و کسانی از نزدیکان، وزیران، افسران و فرماندهان و دیگر افراد وابسته بدستگاه دولت و یا متمکنین از سایر طبقات مردم با بذل مال و اهتمام شخصی کاروانسراهائی را در محل و مکانی که مورد نظر شخصی آنها بوده بنیان نهاده‌اند ولی بنام شاه‌عباس آراسته و نثار وی کرده‌اند تا علاوه بر تحصیل رضایت خاطر پادشاه نام‌نیک خود را هم بدینوسیله در شهر و دیار و زادگاه خویش جاوید سازند که از آنجمله است کاروانسرای مجاور شهر نطنز که از کتیبه سردر آن چنان برمیآید که میرزا ابوالمعالی برزی نطنزی (وزیر حضور و مجلس نویس شاه‌عباس) در تاریخ ۱۰۲۹ هجری باهتمام علاء‌الملک ساختمان کاروانسرا را بپایان رسانیده‌اند ولی اجر و ثواب این کار را نثار شاه‌عباس بزرگ نموده‌اند.

و از اینجا منشأ این گفتار لرد کرزن انگلیسی که « ایرانیان همه کاروانسراهای خود را شاه‌عباسی میدانند » بخوبی آشکار می‌گردد. همچنانکه کاروانسرای گبرآباد نزدیک سد قهرود نیز بوسیله یکی از افسران عالی‌رتبه آن پادشاه ساخته و اهدا شده‌است و اوژن فلاندن فرانسوی هنگام عبور

و آسایش مهمانخانه‌های فرنگستان نباشد اما برای فقرا و ضعفا خیلی راحت است برای اینکه بخوبی در کاروانسرا پذیرفته میشوند و در اکل و شرب هم کسی مجبورشان نمیکند که زیاد از قوه و استطاعت خود خرج بکنند هر کس بهر اندازه که میخواهد و میتواند آزاد و مختار است»^{۳۱}.

جهانگرد و نویسنده دیگری فقط درباره تعداد کاروانسراهای شاه‌عباسی که در افواه مردم شیوع و شهرت کامل داشته است چنین گوید: « باره‌ای از سلاطین خیرخواه که ترقی ایران را در نظر داشتند این نوع کاروانسراها را در تمام شاهراههای کشور میساختند چنانکه شاه‌عباس بزرگ بطوریکه مورخین نقل کرده‌اند نهصد و نود و نه کاروانسرای محکم و آب‌انبارهای متعدد در تمام شاهراههای کشور خود ساخته و بدین طریق ارتباط میان قسمت‌های کشور پهناور خود را سریع و سهل تأمین کرده بود»^{۳۲}. صرف نظر از راست یا نادرست بودن، چنین تعدادی دست کم روشنگر آنست که حداکثر تلاش و کوشش لازم و ممکن در این باره بکار برده شده‌است بدینسان که چون موضوع مورد نهایت علاقه و اراده ثابت شخص شاهنشاه بزرگ صفوی بوده دیگران نیز در ساختن و پرداختن آنها شرکت و پیش‌دستی

از آنجا در قرن گذشته از کتیبه کاشی کاری سردر آن چنین یاد میکند :

« کاروانسرای گبرآباد ساختمانی محکم و زیبا است . در بالای سردر صفحه کاشی نقاشی دارد که میرساند بواسطه یکی از سرهنگان شاه عباس بزرگ ساخته شده »^{۳۳} و یا چندین کاروانسرای مهم و معتبر منسوب به مادرشاه که علاوه بر اهمیت بنا و مزایای گوناگون معماری و هنری که در ساختمان آنها بکار برده شده در پیرامون هریک مجموعه‌ای از آبادانی و ابنیه عمومی دیگر هم از قبیل آب انبار ، حمام ، باغ ، چشمه آب و غیره نیز احداث گردیده بود بشرح زیر :

۱- کاروانسرای مادرشاه (سرا راه اصفهان به مورچه خورت) که حاج عبدالغفار نجم‌الملک بدینگونه آنرا وصف میکند :

« ... رباط مادرشاه که عجب بنای عالیت از سنگ تراشیده و آجر ساخته‌اند و سابقاً مزرعه و آب انبار و حمام و قریه و باغات داشته حال همه خراب شده جز خود رباط که بحالت اول باقی است و بایر افتاده اکنون آغل گوسفند است . حیف از این بنا که در آنجا بایر و بی مصرف افتاده »^{۳۴} .

پروفسور ادوارد برون نیز که همان اوان از آن راه عبور نموده داستانی درباره این کاروانسرا شنیده که چنین بازگو میکند :

« بعد از ورود بدشت ما بیک دهکده ویران رسیدیم که خرابه یک کاروانسرای بزرگ و زیبای دوره صفویه در آن دیده میشود و چهارپادارها گفتند که شاه قاجار در سفر اصفهان از مقابل این کاروانسرا گذشت وقتی که چشمش به آن افتاد درباریها گفتند که این بزرگترین و زیباترین کاروانسرای ایران است و در تمام ایران کاروانسرائی باین زیبایی نیست و نمی‌توان نظیر آنرا امروز ساخت ، از این حرف شاه متغیر شد و گفت این کاروانسرا عماراتی را که من ساختم از جلوه میاندازد و برای اینکه زیبایی عمارات من از نظر خلق نیفتد فوراً این کاروانسرا را خراب کنید . امر شاه اجرا شد شروع به خراب کردن کاروانسرا نمودند ولی نخواستند و یا نتوانستند که تمام کاروانسرا را ویران نمایند زیرا غیر از سردر کاروانسرا و برجها و قدری از حصار سایر قسمت‌های کاروانسرا باقی است . چون سلاطین صفویه چنان عمارات و مخصوصاً کاروانسراها را محکم می‌ساختند که مردم این عصر از عهده ویران کردن آن‌ها بر نمی‌آیند مگر اینکه بوسیله انفجار باروت آنرا ویران کنند »^{۳۵} .

۲- کاروانسرای دیگر منسوب به مادر شاه عباس در راه ساوه به قزوین معروف به کیخسرو که شاردن جهانگرد شهیر فرانسوی درباره آن مینویسد : « یکی از عمارات عالیه و ابنیه جاویدان ایران است . از ملحقات این مهمانخانه دو دستگاه باغ و دوبنای آب انبار یک گرمابه و چشمه آب بخصوص که شایان

توجه است . این بنای عالی از آثار خیریه ملکه شاه عباس کبیر میباشد . بانوی بانوان ایران . برای حفاظت و حراست این کاروانسرای بزرگ و تنظیف و تدارک آن برای عابرین و مسافرین موقوفه‌ای نیز معین کرده که هزار لیره فرانسوی عایدی آنست و برای مخارج چهارنفر خدمتکار دائم کاروانسرا تخصیص داده شده است . . . این زن نامدار زینب بیگم نام داشته است »^{۳۶} .

۳- کاروانسرای مادرشاه در مهاباد .

اوژن فلاندن فرانسوی مینویسد : « کاروانسرای مهاباد در راه اصفهان به شیراز یکی از معتبرترین کاروانسراهای ایران است . سیاحان ساختمانش را به مادر شاه عباس نسبت میدهند . نه فقط خوش آمد ساکنین ایران است که در حین سفر بدان استراحت کنند بلکه طرز ساختمان و نقاشی که دارد مورد توجه میباشد »^{۳۷} .

نجم‌الملک در سفرنامه خوزستان گوید :

« رباط مادرشاه در سه فرسخی و نیمی ده حق است منزل خوبی است رباط شاه‌عباسی که در شرف خرابی است تعمیر لازم دارد »^{۳۸} و حتی بگفته تاورنیه خواجه‌نظر کلاتر آرامنه جلفا نیز دوباب کاروانسرای بزرگ در کنار جلفا و کناره رودخانه ارس بنام شاه‌عباس بنا کرده بود .

بالجمله بطوریکه در سطور گذشته گفته شد در هر دو راه کاشان باصفهان تعداد کاروانسراهای شاه‌عباسی به پانزده باب میرسید . و سواى معدودی از آنها که از بین رفته بقیه دیگر با کم‌وبیش ویرانی‌هاییکه در آنها مشاهده میشود هنوز هم پا برجا مانده . بدیهی است که با عدم سرپرستی و روشن نبودن وضع و سرنوشت آنها بزودی آثار همگی نابود خواهد گردید . ولیکن چهارباب کاروانسراهای راه کاشان بقم در قراء نصرآباد ، سن‌سن ، شوراب و پاسنگان چون در سالهای اخیر و تا هنگام ساختن جاده اسفالته جدید این کاروانسراها در مسیر شاهراه عمومی و چاپارخانه و پست دولتی و مورد استفاده پست‌های ژاندارمری کشور بوده نسبتاً سالم و محفوظتر مانده مگر کاروانسرای نصرآباد که چون از چهل سال قبل تقریباً آمدو شد از آن راه متروک گشته بود بدینجهت زیادتیر دچار خرابی و ویرانی گشته است .

۳۰ و ۳۱- ص ۷۳ و ۱۲۳ سفرنامه تاورنیه .

۳۲- ص ۳۶ سفرنامه مادام دیولافوا .

۳۳- ص ۱۰۹ سفرنامه اوژن فلاندن .

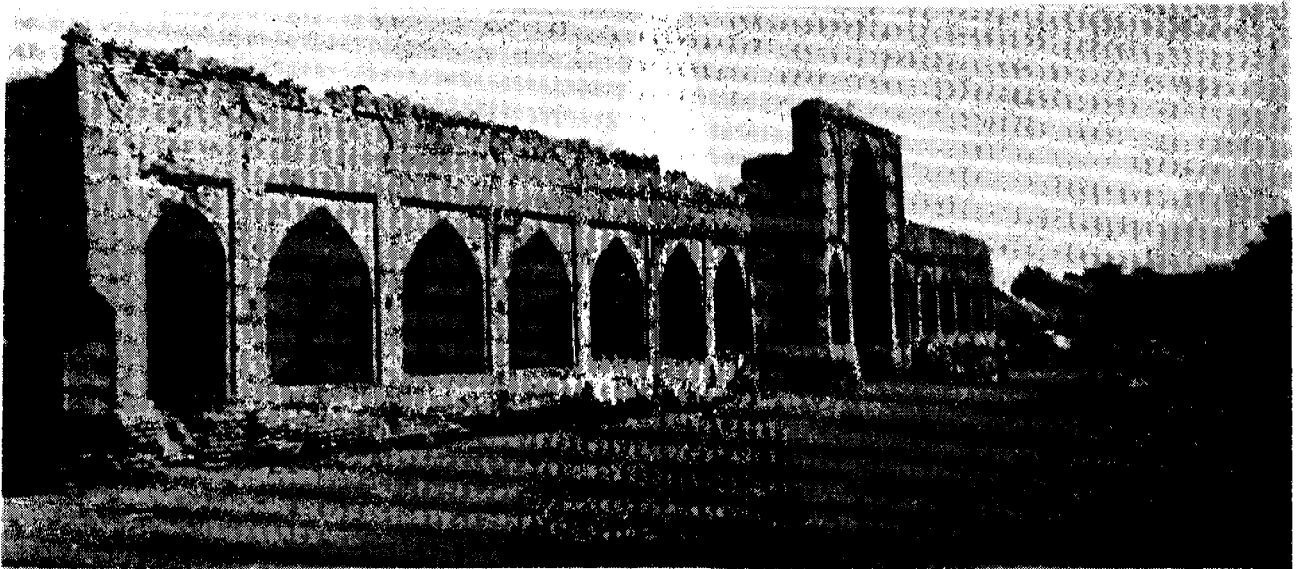
۳۴- ص ۸ سفرنامه خوزستان .

۳۵- ص ۸۲ یکسال در میان ایرانیان .

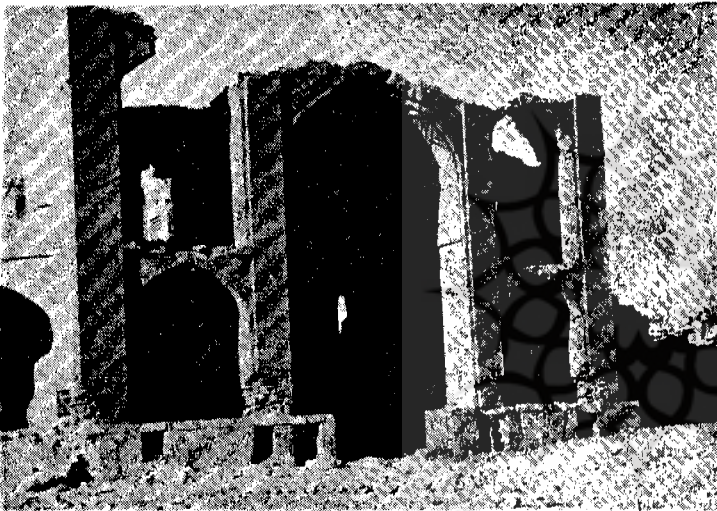
۳۶- ص ۵۰ سفرنامه شاردن ص ۲۱۴ سفرنامه اوژن فلاندن .

۳۷- ص ۲۱۴ سفرنامه اوژن فلاندن .

۳۸- ص ۱۰ سفرنامه خوزستان .



وضع کنونی کاروانسرای شاهعباس واقع در آبادی سن سن
شش فرسخی کاشان



سردر کنونی کاروانسرای شیرآباد معروف به رباط سنگی

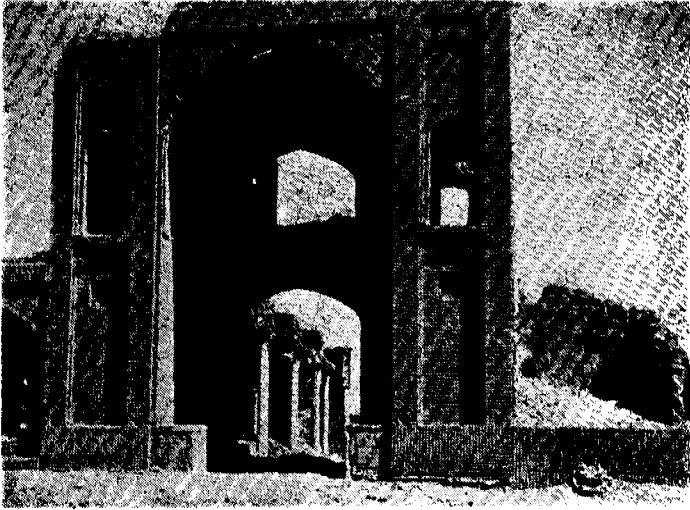
در دوطرف جاده عمومی جنوب که از کنار شهر میگذشت کاروانسراهای بزرگ و کوچک کاروانی دایر و آماده بوده که لردکرزن انگلیسی در سفرنامه خود تعداد آنها را چهل باب قلمداد نموده است .

واز جهت تعیین فواصل بین کاروانسراها نیز این گفتار تاورنیه فرانسوی شایان توجه میباشد : « از قهرود باید سه لیو در همان کوه عبور کرد و از آنجا تا اصفهان بیش از ده لیو باقی نمی ماند که همه راه جلگه صاف و اغلب زیر زراعت است و در هر سه لیو فاصله یک کاروانسرا بنا شده است»^{۴۰} .

باتوجه بدو فقره توضیحات جهانگردان فوق علاوه بر آنکه میتوان مقیاس کلی جهت تعیین فاصله میان کاروانسراها را بدست آورد کاشف آنستکه طرح و نقشه اساسی ساختمان کاروانسراها اصولاً طبق برنامه های جامع و منظم پیش بینی شده ای سرانجام یافته و بویژه آنکه در ساختمان و نقشه هر یک

اینک وصف کاروانسرای نصرآباد در زمان آبادی بقلم مادام دیولافوا :

« کاروانسرای نصرآباد از بناهای بسیار خوب و محوطه آن وسیع و بشکل چهارضلعی منظم است . در اطراف اطاقهایی وجود دارد و در عقب آنها طویله های متعدد ساخته شده است . در زیر اطاقها زیرزمین هایی است که مسافرین میتوانند در روزهای گرم تابستان در آنها بسر برند و در وسط حیاط سکوی وسیعی است که آنرا تخت میگویند و دو متر از زمین ارتفاع دارد و اطراف آن خندقی است پر از آب تا حشرات نتوانند از آن عبور کرده بیالای تخت بیایند ، مسافرین با نردبانی بالای تخت میروند و نردبان را بالا میکشند و شب را در آنجا بسر می برند . این احتیاطات برای اینستکه در نواحی کاشان و در خود شهر عقرب فراوان میباشد و زهرش کشنده است»^{۴۱} . و اما در حومه شهر کاشان تا اواخر دوره قاجاریه قریب به سه کیلومتر



وضع کنونی جبهه سردر کاروانسرای شاهعباس قریه نصرآباد بیست کیلومتری شمال شرقی کاشان

شهر می‌آیند وجود دارد و بالاخره باغهای وسیع و بزرگ قسمت عقب کاروانسرا را تکمیل میکند . این بنای منظم را شاهعباس بزرگ پدید آورده است و در سلوچه عمارت چنین نگاشته شده . دنیا کاروانسرا و مردم کاروانیانند در کاروانسرا ساختن سرا برای کاروانیان روا نیست .

«توضیح نگارنده مقاله : متن مضمون فارسی این بیت که در ترجمه آن تحریف شده چنین بوده است :
مائیم کاروان راه و جهان کاروانسرا
در کاروانسرا نکند کاروان سراي»

در جوار بنای مذکور کاخ همایونی و در روبرو عمارت مخصوص اقامت سفیران دیده میشود . هر دو بنا یادگار شاهنشاه بزرگ مزبور است و هر یک باغات بسیار زیبا و مصفائی در پشت سر دارند . منطقه مرکزی میدان مشق سواران است^{۴۱} .
در اینجا با اشاره بگفته‌های یکی از صاحب نظران بیگانه که اوایل عهد قاجاریه مدتی در راههای ایران رفت و آمد داشته و سرنوشت اینگونه آثار تاریخی را بدیده عبرت نگریسته گفتار ما در اینخصوص بیایان میرسد :
«شاهعباس کبیر کاروانسراهای مسافری زیبای متعددی

از آنها مقتضیات اوضاع اقلیمی آن ناحیه کاملاً در نظر گرفته شده است .

مهمانسرای شاهعباس کبیر در کاشان یا عالی‌ترین کاروانسراهای عهد صفویه

شاردن درباره این بنا مینویسد : « کاروانسرای شاهی که در خارج کاشان در جوار دروازه شرقی ساخته شده است عالی‌ترین مهمانخانه شهر و بهترین کاروانسرای تمام ایران بشمار میرود . این بنا چهارگوش است .

ضلع آن از طرف داخل بطول دوپست گام هندسی و دارای دو طبقه عمارت میباشد محوطه دهلیزمانندی در پائین وجود دارد که در طول تمام ساختمان امتداد یافته است .

و از جانب حیاط بارتفاع قد آدمی و از سطح اطاقها بقدر چهارشست (شست ۲۷٪ متر میباشد) مرتفع است . ضخامت آن هشت پا و سطحش با سنگهای مرمر سفید نفیسی که مثل سنگ سماق شفاف میباشد پوشیده شده است .

طبقه اول در دو طرف دارای پانزده باب منزل متحدالشکل است . ولی در دو طرف دیگر فقط ده باب منزل دیده میشود باضافه یکدستگاه منزل پنج‌طاقی مرتفع طاقدار بمساحت پانزده پا طول و عرض . دارای یک بخاری در وسط و یک محوطه ایوان مربع در جلو بوسعت ده پا دارای سقف نیمه‌طاق که در هر طرف آن یکدستگاه بخاری تعبیه شده و مخصوص اقامت خدمه است . طبقات دوم نیز مثل اشکوبه‌های پائین میباشد . و نزده‌ای بارتفاع تقریباً چهار پا در سرتاسر آن تعبیه شده است . در وسط مدخل یک محوطه مسدسی وجود دارد که در هر ضلع آن دکانهای بزرگی موجود است . در این دکانین انواع و اقسام خواربار . ذغال ، هیزم ، علوفه و علیق بفروش میرسد . در بالای مدخل یک سردرب بسیار عالی و بلند ساخته شده که مثل تمام قسمت‌های ساختمان تخته‌پوش است و در هر دو طرف دالان سرپوشیده‌ای وجود دارد که قابل سکونت میباشد و مثل منازل داخل کاروانسرا دارای روشنائی مناسب و حتی راحت‌تر است . حوض آب وسط بارتفاع پنج‌پا میباشد ، دیواره‌های حوض برای انجام وضو و ادای نماز عریض تعبیه شده و به پهنای چهار پا است .

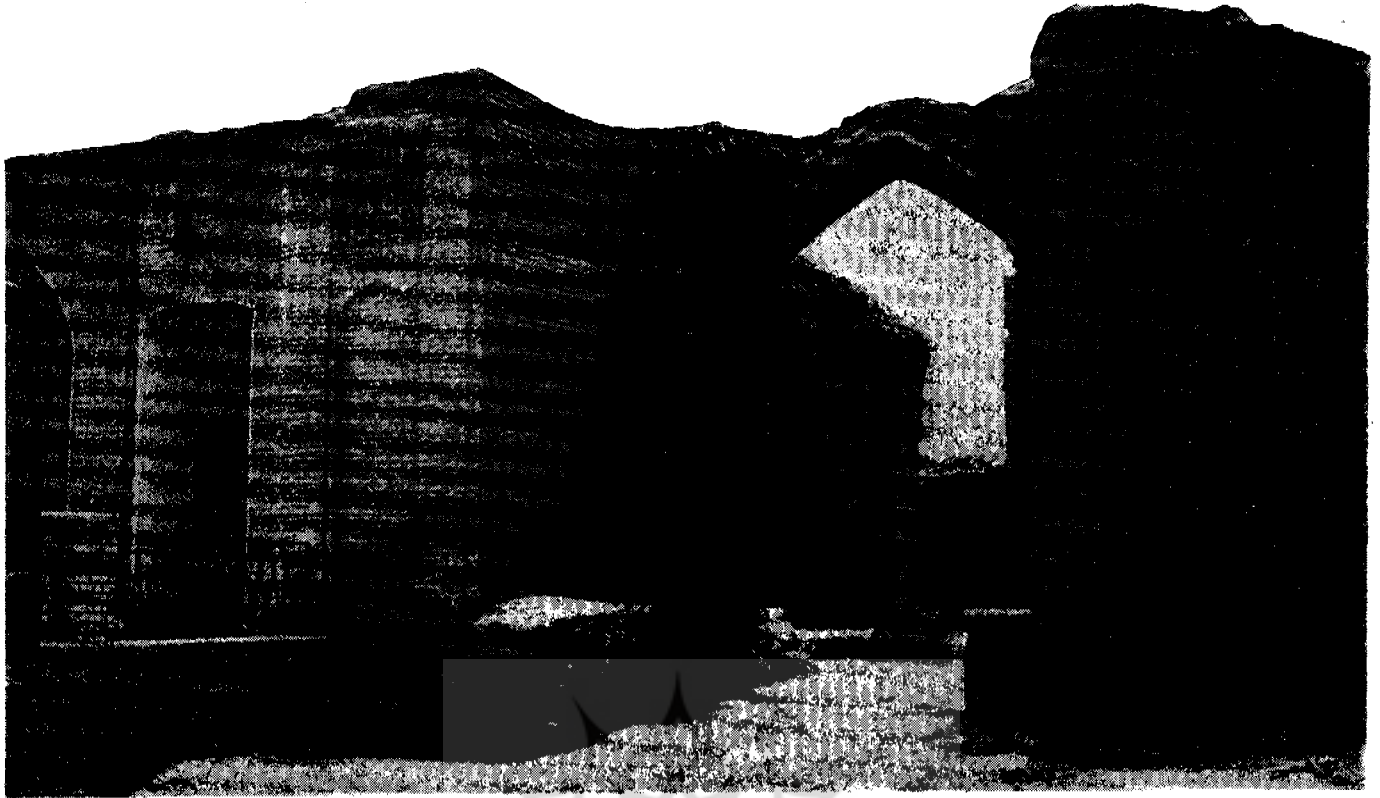
باطن یعنی قسمت عقب این کاروانسرای بزرگ و باشکوه مثل ظاهر آن شایان توجه و لایق دقت میباشد . در این قسمت طویله‌های وسیع و محوطه‌های مناسب برای استقرار محمولات و استراحت نوکران وجود دارد . و بطور کلی مجموع این محوطه‌ها تقریباً از حیث وسعت و مساحت درست قریبه عمارت است . چنانکه مخازن متعدد و منازل بسیار مخصوص سکونت فقیران و بی‌نویان و دهقانانیکه برای فروش خواربار و ارزاق

۳۹ - ص ۱۹۳ سفرنامه مادام دیولافوا .

۴۰ - ص ۸۸ سفرنامه تاورنیه . لیو : واحد مقیاس طول قدیم فرانسه و تقریباً برابر با چهار کیلومتر بوده است .

۴۱ - ص ۵ - ۸۴ ج ۳ سیاحتنامه شاردن فرانسوی و ص ۵ - ۶۴

ج ۲ اسناد مصور اروپائیان از ایران .



وضع کنونی رباط شاه‌عباس قهرود

لطمه‌کلی بدانها میزند. وقتی کاروانی بخواهد عبور کند یکی از قاطرچی‌ها بجلو افتاده با چوبی بلند کف جاده را صاف می‌نماید. کسی نمی‌تواند از این راه عبور کند و همه باید پیاده پیش روند با این‌وصف در قافلان‌کوه حوادث بسیار روی میدهد»^{۴۳}.

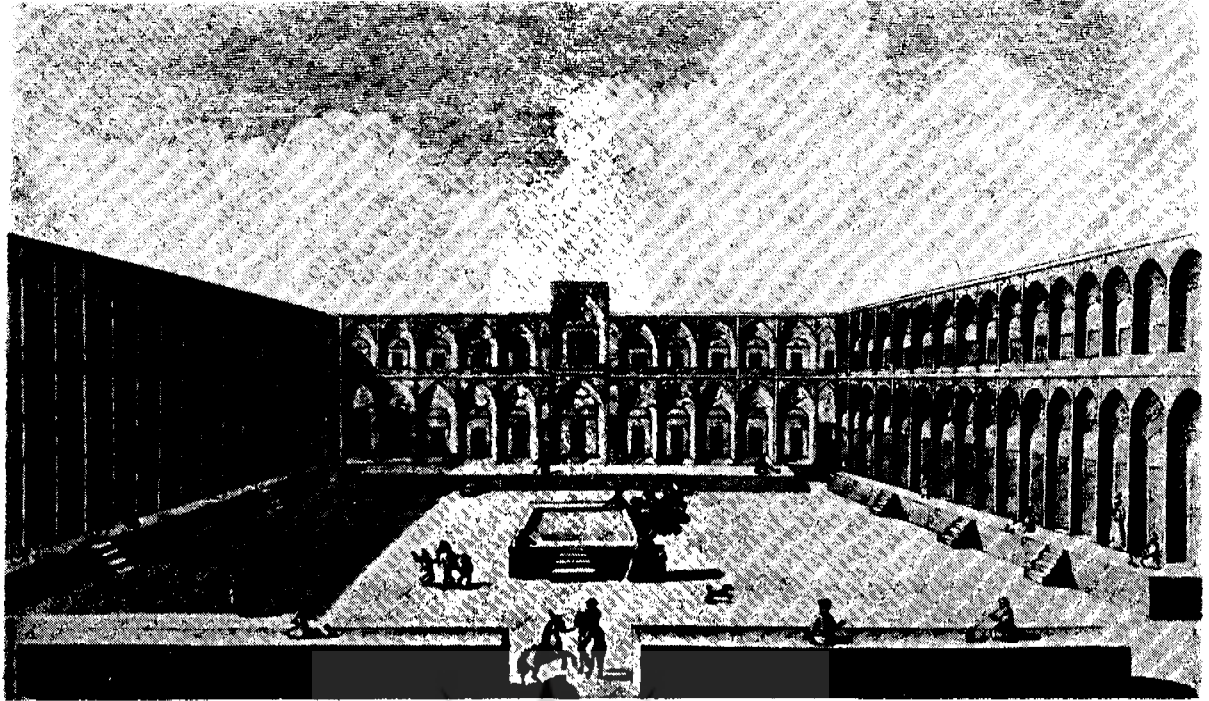
نکته‌ای که تذکارش در اینجا بی‌مورد نیست آنکه، هر چند جانشینان شاه‌عباس بزرگ چه از دودمان صفویه و چه از سلسله‌های متعددی که هر کدام تخت‌وتاج ایران را یک‌چندی جولانگاه خود قرار دادند برنامه‌های وسیع او را خصوصاً موضوع راهسازی و احداث پل و کاروانسراها را نخواستند یا نتوانستند ادامه بدهند و حتی جهت تعمیرات و نگاهداری آنها هم اهتمام قابل‌ذکری بعمل نیاورده و گام شایسته‌ای برنداشتند، ولیکن در خلال این فترت طولانی‌گاه و بیگانه برخی از افراد نوع‌دوست و نکوکاری که از میان توده مردم برخاسته بودند بر اثر تربیت و سنن ملی و دینی‌خود جهت تسطیح راهها و تسهیل انواع وسائل مسافرت مردم پیش‌قدم گشته بکم‌ویش موجبات رفع نیازمندیهای مسافرین را فراهم ساخته‌اند چنانکه در حدود کاشان که نگارنده شخصاً بخاطر دارد تا اواخر دوره قاجاریه جاده‌های عمومی خارج هفت دروازه شهر تا مسافتی که مورد احتیاج بود همگی مسطح گشته با سنگ فرشهای معتبر ساخته

در تمام نقاط ایران بنا کرده بود این کاروانسراها در دوره سلطنت وی حتی اوایل شروع جنگ‌های داخلی وضع مرتبی داشت ولی از آن‌پس روبرویرانی نهاد و چون ایرانیان توجهی به تعمیر و مرمت ابنیه ندارند بی‌گمان تا چند سال دیگر حتی اثری از آنها باقی نخواهد ماند»^{۴۴}.

همچنین از خرابی جاده‌های عهد قاجاریه بدین‌گفتار فلاندن درباره شاهراه قافلان‌کوه که از راههای معتبر ساخته شده زمان شاه‌عباس اول بوده اکتفا میشود:

«چهارم مه. از قزل‌اوزن و قافلان‌کوه گذشتیم. اینجا سنگستانی است و از هر جهت پر بلا و برای چهارپایان سخت زحمت فراهم میسازد. تصور نکنید در این زمان‌ها ساخته شده بلکه از موقعی است که ایران پادشاهی عاقل و کاردان میداشته و میخواستند است‌امکنه مختلف ایران را بهم‌دیگر ربط دهد و رعایا را خورسند سازد سالهای متمادیست که از ساختمان این جاده میگذرد ولی کسی بفکر تعمیر و اصلاح و مرمتش برنیامده تاکنون خراب و ویران گشته حاکم نالایق و بی‌قید کنونی نیز بفکر تعمیر و اصلاحش نیفتاده و نه خراب و نابودش میکند تا مردم از شرش آسوده گردند و نه اصلاح میکند تا بشود براحتی از آن عبور و مرور کرد.

قدم بقدم سنگها کنده شده که در موقع عبور چهارپایان



نمای اصلی و اولیه مهمانسرای بزرگ شاهعباس در کاشان

«امروزه نیز شهر کاشان یکی از شهرهای آباد و پرثروت ایران است مردمانش همه هنرمند و صنعتگر هستند. خانه‌ها با خشت و گل ساخته شده ولی تمیز اند. دیوارها بلند هستند و کوچه‌ها را از ریزش خاک کثیف نمیکنند. تقریباً تمام کوچه‌ها سنگ فرش شده و دارای مجاری هستند که آب باران را منتقل میکنند. بر سر چاهها تخته سنگهای بزرگ گذارده‌اند تا عابرین بدون خطر بگذرند و هر روز کوچه‌ها را جاروب میکنند و آب می‌پاشند. اگرچه شاید مسافری اروپائی که شهرهای کثیف شرقی را دیده‌اند گفته مرا حمل بر اغراق گوئی کنند ولی من اطمینان میدهم که آنچه نوشته‌ام واقعیت دارد»^{۴۴}.

و همو در پایان یادداشت‌های خود و موقع عزیمت از کاشان مینویسد:

«۱۴ اوت - مسافر ناچار است که از توقف در یک شهر هر قدر هم تمیز و مطبوع خاطر باشد صرف نظر نماید و بمسافرت ادامه دهد»^{۴۵}. همچنان در راههای فرعی شهر و دهستانها و پل‌ها و آب‌انبارهای بین جاده‌ها همواره از طرف افراد خیر و نیکوکار مرمت لازم و نگاهداری بعمل می‌آید.

۴۲ - ص ۷۵ سفرنامه دروویل - سرهنگ گاسپار دروویل مشاور نظامی عباس میرزا نایب‌السلطنه و مرئی سپاهیان وی در آغاز سلطنت فتحعلی شاه.

۴۳ - ص ۳۴۸ سفرنامه اوژن فلاندن فرانسوی.

۴۴ و ۴۵ - صفحات ۱۹۵ و ۲۰۹ سفرنامه مادام دیولافوا.

شده بود تا عابرین و چهارپایان آنها از زحمت گردوغبار تابستان و گل‌ولای فصل زمستان مصون و محفوظ مانده با راحتی آمدوشد کنند. همچنانکه کوچه و معابر داخل شهر نیز عموماً سنگ فرش خوبی شده بود. بدین ترتیب که هر مالک و صاحب خانه موظف بود کوچه و معبر مجاور ملک خود را طبق دستور کلی که برای کوی و برزن شهر معمول بود ساخته و پرداخته نموده و دائماً نیز آنرا مراقبت کند.

از جمله مقررات عمومی این بود که صاحب هر خانه و ساختمانی به تناسب تعداد ناودانهای آبریزی که بکوچه مجاور داشت باید یک یا چند چاهک عمیق در وسط کوچه پشت خانه خود حفر نماید و آماده باشد تا آب باران پشت بام و کوچه بچاهها سرازیر گشته مزاحم دیگران نباشد و روی دهانه هر چاه نیز تخته سنگهای معتبر انداخته میشد و بهنگام باریدن برف که برف بام خانه‌ها بکوچه ریخته میشد بی‌درنگ در چاهها را باز کرده هر فردی برف‌های کوچه پشت خانه‌اش را توی چاهک ریخته در آنرا مسدود می‌نمودند. بدین ترتیب هر گاه چند روز متوالی هم برف‌های سنگین می‌بارید بهیچوجه زحمت و اشکالی برای رفت و آمد اهالی فراهم نمی‌گردید و همچنین در تمام کوچه‌های شهر یک عدد ناودان سرریز که آب آن بر سر عابرین بریزد یافت نمی‌شد چنانکه مادام دیولافوا بواسطه مشاهده برخی از اینگونه ضوابط و مقررات شهرسازی کاشان بشگفت آمده مینویسد: